

مصاحبه اختصاصی با استیون کوچ، معمار منظر

به نقل از مجله اینترنتی منظر www.manzar.ws

morteza.adib@gmail.com

مرتضی ادیب/پژوهشگر دکتری معماری

nastaran.tebyanian@gmail.com

ترجمه: نسترن تیبانیان/کارشناس ارشد معماری منظر

و برای مقاصد خوب یا بد از آن بهره‌برداری کنیم.

■ منبع شما برای ایده و کانسپت در طراحی منظر چیست؟

من از خود سایت، از بستر طبیعی یا مصنوعی یا نیازهای کارفرما الهام می‌گیرم. به عنوان مثال حیاط آپارتمان «10th @ Hoyt» ترکیبی از پاسخ به نیاز پناهگاهی در منطقه شهری، نیاز به کنترل آب باران و میل ایجاد فضای تعامل اجتماعی جذاب برای مستأجرین بود. به همین منظور بسیاری از چیزها را از فهم تاریخ طراحی باغ و به کار بردن عناصر ابتدایی آن در موقعیت‌های معاصر به دست آوردم. چنانچه در حیاط آپارتمان «10th @ Hoyt» از فهم باغ ایرانی الهام گرفتیم؛ حس قوی محصور بودن، استفاده از سینه‌کبکی برای تأکید بر نقش آب، درختان گلدار معطر، بوته‌ها و تنوع و تضاد در بافت‌ها.

■ می‌توانید فرایند طراحی‌تان را توصیف کنید؟ چگونه یک پروژه را شروع می‌کنید و چگونه آن را گسترش می‌دهید؟

من لذت می‌برم که در سایت بنشینم و مکان را پیش از اینکه چیزی واقعاً طراحی شود، طراحی و تجربه کنم. این امر به من اجازه می‌دهد تا ظرایف ویژگی‌های احساسی مکان را مطالعه کنم و به مشاهده دیگران و اظهارات افراطی بر روی کاغذ استناد نکنم. من دورتادور سایت قدم می‌زنم، با مردم در منطقه صحبت می‌کنم، چشم‌هایم را می‌بندم، می‌شنوم و از نایدها و ناشنیده‌ها یادداشت برمی‌دارم، که ممکن است اغلب از چیزهایی که می‌بینیم و می‌شنویم مهم‌تر باشند. سپس صبر می‌کنم، گاهی در لحظه، ایده‌ای به ذهنم می‌رسد و گاهی دیگر نیاز دارم تا تصور باشم و اجازه دهم تا راه حل خود را بر من آشکار کند.

■ اهمیت کیفیت ساخت در

ارتقای یک پروژه منظر چیست؟

تفاوت‌های کوچک در جزئیات است که تجربه‌ای را خاص می‌سازد. من همیشه فضایی را برای انعطاف‌پذیری در فرایند طراحی آزاد می‌گذارم، خواه جایی برای درختان و خواه اضافه کردن یک عنصر طراحی شده مشخص باشد. گاهی اوقات می‌دانم که در فرایند طراحی چیزهایی جا انداخته می‌شوند اما برای ایده‌هایی که در این زمینه به وجود می‌آیند، صبور هستم. برای مثال در پروژه «Bridgeport Condominiums» احساس کردم عناصری چون کوزه‌های کلاسیک و مجسمه‌های یونانی می‌تواند در کنار محور اصلی قرار بگیرد، مقدماتی هم

برای این عناصر که دقیقاً نمی‌دانستم چیستند در ترسیمات اجرایی فراهم کردم اما زمانی که در اتلیه طراحی، ایده مکعب گلیون‌شده شیشه‌ای را به دست آوردم، کارفرما را متقاعد کردم تا به پروژه اضافه شود و در سر جای خود نصب شوند.

«استیون کوچ» که اهل شمال غرب آمریکا است، لیسانس خود را از دانشگاه اورگون و فوق لیسانس معماری منظر خود را از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت نموده است. او پس از ۱۵ سال تجربه در طراحی، اجرا و مدیریت منظر شرکت خود را با نام «Koch Landscape Architecture» بنا نهاد که به سرعت توانست موفقیت‌های زیادی را در جامعه معماران منظر کسب نماید. علاقه ایشان به تاریخ معماری منظر ایران، به ویژه باغ ایرانی باعث شد تا مقدمات این مصاحبه به سرعت فراهم آید.

■ آقای کوچ شما معماری منظر را چگونه تعریف می‌کنید؟

تعریف من از معماری منظر پیوسته بسط می‌یابد. معماری منظر، هنر و علم آفرینش محیط‌هایی است که به وسیله حواس پنجگانه و از همه مهم‌تر با ادراک شهودی تجربه می‌شوند. منظرهایی که با در نظر داشتن همه این حس‌ها آفریده شوند، کیفیت‌های احیاءکننده‌ای خواهند داشت که ضمن تلاش برای بهبودی «wellbeing» ما (از جنبه فیزیولوژیک آن) ، خلأهای ذهنی‌مان را نیز پر می‌کنند.

در ساده‌ترین حالت، اگر انسان نیاز به غذا داشته باشد، معماری منظر می‌تواند با فراهم کردن باغی که غذا تولید می‌کند، به یاریش بشتابد. این باغ از سویی یک نیاز ضروری انسان را برآورده می‌کند و از سوی دیگر با پاسخ دادن به انگیزش‌های همه‌جانبه‌ای دیگر نیازهای اساسی جسمی (عملکردی) و روانی انسان را نیز تنظیم می‌کند. اگر یک جامعه شهری، حومه شهری و یا روستایی، در برقراری نظم، بهداشت یا روابط اجتماعی سالم کمبود داشته باشد، معمار منظر می‌تواند با برنامه‌ریزی پاسخ‌دهنده و مسئولانه و طراحی خیابان‌های امن و فضاهای تعامل اجتماعی این کمبودها را رفع کند. در اینجا، برنامه‌ریزی و طراحی، نیازهای جسمی و روحی و اجتماعی را برآورده می‌کند و میل کهن انسان برای دستیابی به محیط اجتماعی امن را تأمین می‌نماید. حتی اگر تمام نیازهای انسانی چون غذا، سرپناه، امنیت و اجتماع برآورده شوند، هنوز کمبودی برای برآوردن نیاز روحی به «زیبایی» وجود خواهد داشت. معمار منظر می‌تواند این نیاز را با طراحی باغی زیبا و شکوه بخشیدن به کیفیت‌های طبیعت برآورده کند. معمار منظر می‌تواند هنرمندانه، با استفاده از گیاهان و ساختارها، محیطی بیافریند که «حس مکان» را فراتر از امیال زمینی انسان ارتقا بخشد. چنین منظری که لذت روحی و جسمی را برآورده کند در مینیاتورهای ایرانی آفریده شده و مدام نیز بازآفریده می‌شود و این امیال را با متن‌های شاعرانه زنده و نیرومند بازگو می‌کند.

■ زمینه اصلی کار شما در معماری منظر چیست؟

کار من در ارتباط با تعریفی که پیشتر درباره معماری منظر گفته شد، شاید شبیه کار یک پزشک عمومی باشد. من می‌توانم با اشخاص گوناگون؛ جوان، پیر، بیمار و سالم، کار کنم تا از طریق شناسایی و درمان نیازهایشان، مرهمی بیندیشم برای آنچه در محیط، آنان را بیمار می‌سازد.

من دوست دارم تا با فرصت‌های متعددی که برای بهتر و متعادل‌تر کردن زندگی در جامعه وجود دارد به چالش کشیده شوم. معمار منظر بودن ... معماری منظر نوشارویی برای همه بیماری‌ها نیست اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم می‌بینیم که بسیاری از مسائل جهان پیرامون نیازهای ابتدایی انسان (غذا، سرپناه، امنیت و اجتماع) دور می‌زند و این نیازها در محیط‌های فیزیکی ریشه دارد که ما قدرت آن را داریم تا تغییرش دهیم



«استیون کوچ»، معمار منظر